روزنامه شرق
۳۲ صفحه
چهارشنبه ۲۰ اردیبهشت ۱۳۸۵ ■ ۱۲ ربیع الثانی ۱۴۲۷ ■ ۱۰ مه ۲۰۰۶
سال سوم ■ شماره ۷۵۶ ■ ۳۲ صفحه ■ ۱۵۰ تومان

تمثیلی برای یک تصمیم

مقاله‌ای از دکتر مسعود نیلی

به یاد دارم در زمان کودکی، داستانی نقل می‌شد و شاید در کتاب‌های فارسی دبستان به چاپ می‌رسید که حکایت از خرسی می‌کرد که به اربابش علاقه بسیار داشت و در موقع استراحت او، معمولاً مگس‌ها را از اربابش می‌راند. روزی ارباب به خواب سنگینی رفته بود و مگس سمجی صورت او را رها نمی‌کرد. خرس که نگران آزرده‌شدن ارباب و بیدارشدن او بود، برای آنکه مگس را تنبیه کند تا دیگر مزاحم او نشود، سنگ بزرگی را محکم بر روی مگس که روی . . .

صفحه ۱۰

هر تاریخی تاریخ معاصر است

گفت‌وگو با دکتر جواد طباطبایی در ویژه‌نامه کتاب

به اجمال می‌توان گفت که در این دهه‌ها نظام سنت قدمایی اعتبار خود را از دست داد و گروه‌هایی از ایرانیان داخل و خارج کشور به شیوه‌های دیگری در اندیشیدن روی آوردند که از آن پس روشنفکری خوانده شد. به نظر من کوشش برای ارائه توضیحی درباره این خاستگاه (به تعبیر دیگر، نقطه صفر) روشنفکری در ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و به نظرم جز فریدون آدمیت که اشاره‌هایی به این مباحث دارد دیگر محققان توجه چندانی به این دوره . . .

صفحه‌های ۲۵ تا ۲۸

متن کامل نامه احمدی‌نژاد به بوش

عکس: عباس کوثری، شرق

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) دیروز متن کامل نامه احمدی‌نژاد به بوش را به نقل از روزنامه لوموند- چاپ فرانسه- مخابره کرد. در این نامه آمده است:

«آقای جورج بوش

رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا

برای مدتی است که من فکر می‌کنم چگونه کسی می‌تواند تناقضات غیرقابل انکاری را توجیه کند که در فضای بین‌المللی وجود دارد که همچنان به طور مداوم درباره آنها به‌ویژه در گردهمایی‌های سیاسی و در میان دانشجویان دانشگاه‌ها بحث و تبادل نظر می‌شود. بسیاری از سئوالات بی‌پاسخ مانده‌اند. اینها مرا وادار کرده است تا به بحث درباره برخی از تناقضات و سئوالات با این امید که بتواند فرصتی را برای اصلاح و جبران آنها فراهم کند بپردازم.

آیا کسی می‌تواند پیرو عیسی مسیح (ع) پیامبر بزرگ خدا باشد،

احساس التزام به احترام به حقوق بشر کند،

لیبرالیسم را به عنوان مدلی از تمدن ارائه کند،

مخالفت کسی را با اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و سلاح‌های کشتارجمعی اعلام کند،

«جنگ با ترور» را شعار خود بسازد،

و در آخر،

به سوی استقرار جامعه بین‌المللی واحدی رود- جامعه‌ای که مسیح و پارسایان زمین روزی بر آن فرمانروایی کنند- اما در عین حال، کشورهایی را مورد حمله قرار دهد؛ جان‌ها، شهرت و مایملک مردم را نابود کند و فرصت اندکی را ایجاد کند و اجازه دهد جنایتکاران، شهری کوچک یا برای مثال کل یک روستا یا شهر را به آتش بکشند،

یا به دلیل احتمال وجود سلاح‌های کشتارجمعی در کشوری آن کشور اشغال شود، حدود یکصد هزار تن در آن کشته شوند، منابع آبی، کشاورزی و صنعتی اش نابود شوند، نزدیک به ۱۸۰ هزار نیروی خارجی در آن مستقر گردند، حرمت حریم‌های خانه شهروندان را بشکنند و کشور را شاید ۵۰ سال به عقب بازگردانند. به چه قیمتی؟ صدها میلیارد دلار از خزانه یک کشور و چندین کشور مشخص دیگر خرج می‌شود و ده‌ها هزار تن از مردان و زنان جوان به عنوان نیروهای اشغالگر در وضعیتی آسیب‌پذیر دور از خانواده و عزیزانشان قرار می‌گیرند، دستانشان به خون دیگران آلوده می‌شود، مجبور هستند که فشار روانی بسیاری را تحمل کنند که هر روزه برخی از آنها را به خودکشی وادار می‌کند و برخی آنها را با افسردگی به خانه بازمی‌گرداند و آنها با انواع بیماری‌ها و ناراحتی‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند. در حالی که برخی از آنها نیز کشته شده و اجسادشان به خانواده‌هایشان بازگردانده می‌شود.

در چارچوب وجود سلاح‌های کشتارجمعی، این تراژدی به غرق شدن ملت کشور اشغال شده و کشور اشغالگر می‌انجامد. سپس مشخص می‌شود که هیچ سلاح کشتارجمعی وجود نداشته است که بر اساس آن اقدام را آغاز کرد.

البته صدام یک دیکتاتور جنایتکار بود. اما جنگ برای سرنگون کردن او به راه انداخته نشد. هدف اعلام شده جنگ، یافتن و نابود کردن سلاح‌های کشتارجمعی بود. او در راستای هدفی دیگر سرنگون شد. با این حال مردم منطقه از این بابت خوشحالند. این را خاطرنشان می‌کنم که در خلال سال‌های بسیار جنگ علیه ایران، صدام از سوی غرب مورد حمایت قرار گرفت.

آقای رئیس جمهور،

احتمالاً می‌دانید که من یک آموزگارم. دانشجویان من از من می‌پرسند که این دست اقدامات چگونه با ارزش‌های اعلام شده در ابتدای این نامه و ادای وظیفه در قبال سنن عیسی مسیح (ع) پیامبر صلح و بخشش، تطبیق دارد.

زندانیانی در خلیج گوانتانامو وجود دارند که محاکمه نشده‌اند، حقوق قانونی شان سلب شده، خانواده‌هایشان نمی‌توانند آنها را ببینند و آشکارا در سرزمینی غریب خارج از کشور خودشان نگهداری می‌شوند. هیچ نظارت بین‌المللی بر وضعیت و سرنوشت آنها وجود ندارد. کسی نمی‌داند که آیا آنها زندانی، زندانی جنگی، متهم یا جانی هستند.

بازرسان اروپایی وجود زندان‌های مخفی را در اروپا تایید کرده‌اند. من نمی‌توانم آدم‌ربایی شخصی و بردن آن مرد یا زن به زندان‌های مخفی را با اصول هیچ سیستم حقوقی ارتباط دهم. برای آن موضوع من نمی‌توانم درک کنم که چگونه چنین اقداماتی مطابق با ارزش‌های مطرح شده در ابتدای این نامه به طور مثال، آموزه‌های عیسی مسیح (ع)، حقوق بشر و ارزش‌های لیبرال مرتبط است؟

افراد جوان، دانشجویان دانشگاه‌ها و مردم عادی سئوالات بسیاری را درخصوص پدیده اسرائیل دارند. من مطمئنم که با برخی از آنها آشنا هستید.

در طول تاریخ بسیاری از کشورها اشغال شده‌اند اما من فکر می‌کنم استقرار کشوری جدید با مردمی جدید، پدیده‌ای جدید است که منحصر به زمانه ما است.

دانشجویان می‌گویند که ۶۰ سال پیش چنین کشوری وجود نداشت. آنها نقشه‌ها و کره‌های قدیمی را نشان می‌دهند و می‌گویند شما هم مانند ما تلاش کنید. ما قادر نبوده‌ایم کشوری به نام اسرائیل را بیابیم.

ادامه در صفحه ۲۹

تیترها

فعالان فضایی

مقاله‌ای از حمیدرضا جلایی‌پور

صفحه ۶

اسدالله بادامچیان خبر داد:

موتلفه و مشارکت بیانیه مشترک می‌دهند

صفحه ۲

اگر یارانه نبود

یادداشتی از عباس عبدی

صفحه آخر

بازار دیروز	
یک گرم طلای ۱۸ عیار	۱۴۹۴۰ تومان
سکه تمام بهار «طرح جدید»	۱۵۴۰۰۰ تومان
نیم سکه	۷۶۰۰۰ تومان
دلار	۹۱۶ تومان
یورو	۱۱۶۵ تومان
شاخص کل بورس تهران	۹۴۹۹٫۸

هفته‌نامه شرق
فردا ضمیمه روزنامه شرق

سرمقاله

در قضیه شستن چشم‌ها و یافتن سوراخ دعا

دکتر احمد پورنجاتی

«یا چنان نمای که هستی، یا چنان باش که می‌نمایی.»

بایزید بسطامی

(اگر امکان‌پذیر می‌بود درخواست می‌کردم این نوشته را از پایان به آغاز بخوانید. اما حیف!) نمایشگاه بین‌المللی کتاب افتتاح می‌شود، طنین سرود جمهوری اسلامی در فضای پیرامون می‌پیچد، همه به احترام به پا می‌خیزند و در محضر والای «حضرت کتاب» کلاه از سر برمی‌دارند. رئیس جمهور با گام‌هایی استوار اما خرامان به سوی جایگاه خطابه می‌رود و . . . فصلی سرشار از «قربان صدقه» و «رهنمود» و «چه‌ها خواهیم کرد» آغاز می‌شود و همگان در ساحت عرض ارادت به مقام کتاب و اهل کتاب، شیرین‌کام می‌گردند. اینک نمایشگاه کتاب در جریان است، با همه متن و حاشیه‌هایش. و هر کس به اقتضای مسئولیت و ماموریتی که دارد شش دانگ حواس خود را جمع کرده تا همه چیز به خوبی و خوشی تمام شود، از وزارت بازرگانی که غرفه‌ها را اجاره می‌دهد تا شهرداری تهران که دغدغه افزایش بار ترافیکی خیابان‌های اطراف را دارد و تا نیروی انتظامی که هم باید مراقب آمد و شد خودروها باشد و هم دلواپس جریحه‌دار شدن عفت عمومی و مانور مانکن‌ها! که این موجودات به ویژه در این فصل بدجوری اسباب اوقات تلخی متولیان محترم را فراهم می‌سازند. و در این میان بیش از همه وزارت فخیمه ارشاد باید مراقب کلاه خود باشد که به «نسیم شیطنت عناصر غیرخودی» بر زمین نیفتد! و بی‌اجازه و رندانه کتاب ناجوری در بساط غرفه ناشری سرک نکشد چون به مصداق «گل گفته» وزیر فرهیخته ارشاد: «انتشار برخی کتاب‌ها توهین به فهم خواننده است!» و یا «برخی کتاب‌ها را نویسندگانش حتی نمی‌توانند با صدای بلند در جمع خانواده خود بخوانند» (لابد از بس بی‌ادبی دارد) و قریب به این مضامین. بسیار خوب! همه چیز مرتب است. مثل هر سال. حتی بهتر از گذشته. این داستان تکراری مراسم آیینی برگزاری نمایشگاه کتاب است، ربطی هم به این دولت و آن دولت ندارد و مثل خیلی برنامه‌های تقویمی دیگر، به آن عادت کرده‌ایم. به گونه‌ای که اگر به فرض، یک سال برگزار نشود ممکن است احساس کنیم چیزی در اتاق کارمان جابه‌جا شده یا ساعت مچی‌مان خوابیده! یا نه، اندکی عقب مانده است. همین! اما دست آخر کاسه کوزه‌ها ـ مثل همیشه- بر سر مردم عزیز و نازنین می‌شکند که: «ایها الناس! جهان جای تن‌آسایی نیست! چرا کتاب نمی‌خوانید؟!» همه، از عالی و دانی، هرکس به قدر وسع خویش و به ارتفاع مقام و منزلتی که دارد و به قواره ابعاد میکروفنی که نصیبش می‌شود، سوگمندانه و حسرت‌مآبانه می‌پرسد: «چرا میزان مطالعه کتاب در جامعه ما در مقایسه با شاخص‌های جهانی و حتی نسبت به برخی کشورهای نه چندان پیشرفته، اینقدر کم است؟» آنگاه تحلیل پشت تحلیل، تعلیل در پی تعلیل که: «بی‌رغبتی مردم ایران به مطالعه کتاب به علت گرانی کتاب است و پیدا نکردن کتاب‌های مفید و سازنده! و نیز نداشتن فرصت به خاطر گرفتاری‌های معیشتی و ضعف فرهنگ کتابخوانی و کم‌کاری نهادها و دستگاه‌های ذیربط! به ویژه وزارت ارشاد و سازمان تبلیغات و صداوسیما! و سرانجام، ضرورت حمایت از انتشار کتاب‌های خوب! و حاصل این جمع و تفریق: اختصاص و افزایش بودجه همین دستگاه‌های محترم تا برای ترویج فرهنگ کتابخوانی در جامعه کاری کنند، کارستان!» این تابلوی تمام‌نمای جشن سالانه کتاب در کشور ماست.

ادامه در صفحه ۲۹

انا لله و انا الیه راجعون
بدینوسیله رحلت جانسوز عالم خبیر، دانشمند محقق و مورخ ژرف اندیش آیت الله حاج شیخ نعمت الله صالحی نجف آبادی را به بازماندگان و علاقمندان آن مرحوم تسلیت می‌گوییم.
محمود فجتی، محمد علی جوادی، علی خدابخش، فتح الله معین، محمود فتاح الجنان

با شرق در نمایشگاه مطبوعات
امروز چهارشنبه - ۸۵/۲/۲۰
مهمان امروز: سعید لیلاز
گروه خانه: امیرحسین رسائل
گروه اقتصادی: امیرحسین مهدوی
گروه تاریخ: احمد زیدآبادی
سالن 1A- غرفه ۳ - ساعت ۱۳

از ۱۸ خردادماه ۸۵ در شرق
ویژه‌نامه جام جهانی فوتبال - آلمان
خرداد و تیر ۸۵
FIFA WORLD CUP GERMANY 2006
سازمان آگهی ها ۲۲۰۵۷۰۹۰

به مناسبت رحلت جانگداز روحانی زاهد، فقیه مجاهد و محقق عظیم الشأن حضرت آیت الله حاج شیخ
نعمت الله صالحی نجف آبادی
مراسم یادبودی برگزار می‌شود. از همه شاگردان و دوستداران این متفکر نو اندیش و عالم شجاع دعوت می‌شود در این مراسم حضور به هم رسانند.
تاریخ: یکشنبه ۸۵/۲/۲۴ ساعت ۱۷ الی ۱۸/۳۰
مکان: مسجد نور، خیابان دکتر فاطمی
خانواده و جمعی از علاقه مندان و شاگردان آن مرحوم

آگهی فراخوان عمومی مناقصه
شماره ۸۵/۲۶
شرکت سهامی مخابرات استان خوزستان
رجوع به صفحه ۱۲

(نوبت دوم)
آگهی فراخوان عمومی مناقصه
شماره ۸۵/۲۵
شرکت سهامی مخابرات استان خوزستان
رجوع به صفحه ۱۲

پویای وحدت اقتدار اسلامی
هشتمین مجمع عمومی
حزب مؤتلفه اسلامی
۲۱ اردی بهشت ۸۵ ـ تهران